

## باز هم آخرین چند و چونی با دوستان و صاحب نظران در مورد نظام نگارشی (الفبای) زبان شغنانی !!



نگارنده : پوهندوی پیکار

همزبانی خویشی و پیوندی است  
مرد با نامحرمان چون بندی است  
ای بسا هندو وترک همزبان  
ای بسا دو ترک چون بیگانگان  
پس زبان محرمی خود دیگر است  
همدلی از همزبانی بهتر است  
(مولانای بلخ)

شاید، بعد از به میان آمدن تارنمای زیبای سیمای شغنان، من نخستین کسی بوده باشم که دریچه گفتمان و بحث را روی طرح تدوین شده الفبای زبان شغنانی که توسط دوستان و عزیزان مقیم افغانستان راه اندازی شده بود، باز نمودم و برای همواره در باز نگهداری اش از هیچگونه سعی و تلاش علمی و اکادمیک دریغ نخواهم ورزید.

به این معنی که خامه پردازان، شعرا، نویسندگان، محققین، پژوهشگران، زبان دان ها، و (زبان شناس های)، محیط زیبای شغنان را به فرآیندنگارش های موزون، سازنده ، انتقاد آمیز، تصحیحی، تکمیلی، دلسوزانه، و بعضاً جدال برانگیز، غیرمسلکی، احساساتی، باعدم رعایت عفت قلم، و تا حدودی بلند پروازانه، سبب شده ام که میتوانم خضوعانه به آن اعتراف نمایم و خویشتن را در دام ملامتی قرار دهم.

اما به این باور هستم که این ملامتی در فرجام به سلامتی نه تنها من بلکه همه شغنانی ها، تبدیل خواهد شد.

غرضم از این اقدام، این بود که چگونه خواهم توانست با فرا خوان خویش، بیشترین رقم صاحبان و حافظان قلم و قدم مثبت را، از میدان خاموشی، بی تفاوتی، اختفا و کتمان کاری، فعالیت های فردی و تنهایی در راستای زبان و ادبیات شغنان و همه شغنانی های میهن دوست به مفهوم واقعی واژه، خادم مردم و کتله های عظیم محیط و دیار مان را به صحنه حرف و عمل واقعی و بدرد بخور بکشانم تا باشد صدای رسای جمعی ما اسباب آینده سازی را برای همه آنهايي که عشق به قوم و به ملت خویش دارند، فراهم ساخته

بتواند. جدال های علمی و عقلانی امروز ما، و نه جدال های ناشی از تعصب و جزم گرایی بیهوده و خالی از معنی و مفهوم باعث شکوفایی هستی و هستی سازی ما برای آینده پر فروغ، تابان، و احیای مجدد فرهنگ و تهذیب غنامند ما و محیط مان خواهد گردید، و بی تفاوتی، بلند پروازی، خود خواهی، خود بزرگ منشی ها، شخصیت شکنی ها، اجتهاد و مبارزه به سطح و محیط تنگ و تاریک دهکده ها، دوستان ما را به گریه در خواهد آورد و دشمنان و مخالفان را به تبسم ها، و خنده های تزویری، خواهد کشانید و فرصت ها را از دست خواهیم داد.

من میخوامم با صراحت لهجه اظهار نمایم که خاموشی، بی تفاوتی و خود بزرگ شماری برخی ها در زمینه به معنای حق بجانب بودن آنها نیست، بلکه گریز از حقایق، جفای فرهنگی به مردم و فرهنگ مردمی، و خالی کردن مکان و زمان برای آنهایی که سالیان متمادی از این گونه گریز ها سخت مستفید شده اند و هنوز هم دارند استفاده کنند. دوستان شاهد همه مسایل در همه عرصه های زندگی ما هستند، اعم از اجتماعی و عقیدتی. هیچ فردی از افراد در میان هموطنان و شهروندان شغنانی ما به تنهایی خود هرگز قهرمان نمیشوند و نخواهند شد تا زمانی که سرنوشت مردم خود را به گونه واقعی رقم نزنیم، آنها ما را من حیث خادم هرگز پذیرا نخواهند شد. آنهایی که خاموش هستند، یا سازگار و موافق با طرح معقول دوستان هستند، و یا هم در جستجوی راه گریزی از انجام کار کرد های نیمه راه در راستای تدوین و ترتیب الفبای زبان و ادبیات شغنانی هستند، آینده ها پاسخ خواهند گفت.

ما هایی که بیرون از شغنان هستیم، اما در میان شغنانی ها، و آنهایی که در شغنان هستند و سعی برای بیرون بودن از محیط شغنان را دارند، به یاد داشته باشند که هیچ کدام ما ناجی قلمداد نخواهیم شد اگر فرهنگ کاری خود را تعویض نکنیم و در باز سازی خود اقدام عملی نکنیم. برخی ها توانستیم و خواهیم توانست که تا از طریق تارنمای صدا و سیمای شغنان، به وسیله بازتاب عباره و جملات، عشق و علاقه، شعر و سروده ها، وابستگی و پیوستگی معقول، استقلال و استدلال فکری بدون برتر اندیشی و خود نمایی، با صلاحیت ها و ظرفیت های دست داشته، صداقت و لطافت، فارغ از هر گونه جزم گرایی های فکری و سلیقه ای، بر خلاف فرد گرایی های از مد رفته، به مثابه شخصیت های روانی و شاید هم کمی فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی، مسلکی و حرفوی، مناسبات، عشق و علاقه خویش را به زبان و ادبیات مردم مان، بازتاب نماییم، و از دیگران نیز می خواهیم تا گنجور پنهان داشته های شان را اگر بر روی ما نی، بروی مردم شان باز نمایند و نقش شان را یک جا با دسته های کاری به بازی نشینند.

در شیرازه زمانی که سیمای شغنان من حیث مرکز و حوزه فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، سنتی و زبانی، پا به عرصه حیات گذاشته است، همه ما و شما با بسا از شخصیت های فرهنگی، حقوقی، مدنی، اجتماعی، پزشکان، اهل علم و عرفان، علاقه مندان دنیای پر از فراز و فرود و چالش آفرین تاریخ و تاریخ نگاری، دام پروری و محیط زیست، عقیده، باور ها و اخلاقیات، معرفت حاصل نمودیم، که در واقعیت یکبار دیگر باب مذاکره و مفاهمه را توأم با یک فرهنگ درست و بعضاً جدال بر انگیز، بروی همگان باز نمود.

من یاد داشت ها، پیام های دوستانه و مشحون از محبت ام را در برابر همشهریها، و ابراز نظریاتم را در برگه های قبلی و نگارش های پارینه ام، از طریق دریچه زیبای سیمای شغنان، خدمت دوستان، عزیزان، و صاحبان اختیار قلم و زبان، فرستاده بودم، و آنچه که در اختیار ما بود از سهم سازای آن هر گز دریغ نورزیدیم، به ویژه در مورد آفرینش رسم الخط زبان شیرین، محبت آفرین و متحد ساز شغنانی، چیز هایی را در خور خوانش دوستان قرار داده بودم.

من شخصاً نوشته های همه دوستان را به خوانش، تحلیل و تجزیه قرار دادم، و هم سعی نمودم از قوانین مروجه زبان و زبان شناسی نیز بیرون نروم. حرف هایم را در مورد همه مسایل خدمت نویسندگان و افراد صاحب نظر در زمینه های مختلف، به ویژه در مورد زبان حتی به همگان گوش فرا دادیم، بدون در نظر داشت اینکه چقدر و چه حد با زبان و زبان شناسی معرفت دارند، تا فرهنگ مشمول گرای را رعایت کرده باشیم. نظریات همه دوستان قابل قدر و درک بود. برخی مسایل را مسلکی مطرح می نمودند، و بعضی ها نیز از سطح آموزش و برداشت محیطی شان استفاده درست می نمودند و ابراز نظر کردند، و در برخی نوشته ها هم حاشیه روی های فراوان به نظر می رسید اما در مورد زبان و زبان شناسی و یا زبان شناسی، و آسیب شناسی در زبان شناسی را مطمح نظر قرار نمیدادند که تا حدی غیر حرفوی به نظر می رسید، اما همه آنها، هر چه که داشتند و در سهم سازای آن شجاعانه مبادرت ورزید، بدون تردید باید گفت که در غنماندی هر چه بیشتر از پیش دانش همه ما، نقش اساسی را بازی کردند.

دوستان عزیز و محترم ما، علی شاه صبار، معاون سر محقق خیر محمد حیدری، شاعر فرهیخته مذهب شاه ظهوری، جوان پر کار و پر تلاش شغنان، نوروز علی ثابتی، قوت نیرو، عبد الکریم نوجو، دپلوم انجینر اسرار، حسینی حسنیار، و دیگرانی که در این زمینه در حال تقیه بسر می برند، زحمات فراوانی را بخرج داده اند تا مصدر خدمت فرهنگی به خود و مردم سرزمین شان شده باشند. در مورد نوشته های آنها به قول

معروف، کم‌کم و کرم آنها، چیزی را در برگه‌های قبلی روی سفید کاغذ را سیاه نموده بودم. در این اواخر پژوهش مفصل و حوصله‌مندانه نوروز علی ثابتی را از طریق سایت دریافت نمودم و مدت خوبی را جهت خوانش آن با برخورد علمی و تیوری زبان شناسی علمی، عملی و تجربی، وقف نموده بودم و مطالب بسیار خوبی را در یافتنم که واقعاً برای علاقه‌مندان عرصه فونولوژی و یا آواشناسی دانش آموزان کلاس‌های زبان شناسی، و به ویژه آنها که پیرامون نظام آواشناسی بین‌المللی به پژوهش نشینند، و نظام‌های متفاوت دبیرستان‌های شش‌گانه فونیتیک و زبان شناسی جهان را به مقایسه گیرند، خیلی‌ها مفید و قابل استفاده خواهد بود، که ما هنوز در این بحث داخل نشده‌ایم، زیرا ما هنوز برای این‌گونه بحث‌ها، در جستجوی عنوان بحث هستیم، و یا بهتر گفته شود که ما برای ساختار این چنین بحث‌ها، در جستجوی مواد ساختمانی هستیم و نه در مورد ساختمانی که قبلاً ساخته شده باشد.

با قدردانی از نویسه‌های نوروز علی ثابتی، می‌خواهم کمی هم از ایشان گله‌مند باشم، البته می‌بایست نه من بلکه آنهایی که مورد خطاب مستقیم‌شان قرار گرفته بودند که ایشان خود باید دست به ارایه پاسخ می‌زدند و این حق آنها بود که چیزی را در نیافتیم و چون با من سروکاری نداشتند و نیز در آغازین فرآیند کار کرد‌های تدوین و ترتیب‌الفبای زبان شغنائی نیز قرار نداشتیم، که زیر ضربه‌واژه‌ها و عباره‌های‌شان قرار می‌گرفتم، بلکه من انتظار داشتم تا آنهایی که مورد خطاب، و نقد ادبی و زبانی محترم ثابتی قرار گرفته بودند، باید بخاطر اقناع فکری و زبان‌شناسانه موصوف می‌پرداختند تا می‌بایست نویسنده از دلهره و نگرانی در مورد اینکه، آیا همه نظریات و بینش آنها در زمینه قابل قبول هستند، چقدر ایشان از روش و تیوری علمی زبان شناسی عمومی، مقایسی، اتنولوژیک، اجتماعی، تاریخی، سیاسی، تکنولوژیکی، زبان شناسی فزیک، زبان شناسی روانی، زبان شناسی تطبیقی، زبان شناسی تجربی، زبان شناسی واژگانی و ریشه‌شناسی، و غیره جهت ثبوت بینش‌شان استفاده کرده‌اند و چقدر سخنان و تصورات‌شان در مغایرت با آنهمه تفاوت‌هایی که زبان شغنائی، من حیث زبان وابسته به خانواده زبانه‌های ایران شرقی، دارد. زیرا آنها بعضاً مسایلی را یاد آور شده‌اند، که با زبان‌های دیگر سروکار دارد، به ویژه با زبان‌های خانواده ترکی، آذری، قرغزی، التایی، ایماق، مغلی و کرنگلی، زبان‌های خانواده آسیای جنوبی، مانند هندی، اردو، کچی، گجراتی، گجری، و نه با زبان شغنائی، اما من حیث معلومات قابل قدر و درک‌اند. میل دارم روی چند عباره و واژه‌های آقای ثابتی که در برابر دیگر دوستان اظهار نموده‌اند مکتب‌نمایم: که ایشان در نگارش‌شان، افراد دخیل در مسایل نگارش زبان شغنائی را به گونه مستقیم و غیر مستقیم، به باد انتقاد گرفته‌واژه‌های: "جزمانه،

نظریات تحمیلی، واژه های نامأنوس، دگماتیک، بدون ثبوت و مدرک علمی، دخالت، فضولی، نابینا و چاه، و غیره را در برابر آنها بکار برده است، که شاید در مورد هیچ یکی از این دوستان قابلیت کار بردی نداشته باشند، زیرا زحماتی را که این افراد در زمینه متقبل شده اند، سزاوار این چنین پاداش نباید باشند.

خدمت آقای ثابتی و سایر دوستان علاقه مند و شایق تدوین و ترتیب سیستم نگارشی زبان شغنانی و همه مردم شغنان، به ویژه قشر تعلیم و آموزش دیده، صاحب فکر و صلاحیت و ظرفیت علمی، ادبی و به ویژه زبانی، به عرض باید رساند که هدف ما در شرایط کنونی، تمرکز، تجمع و آفرینش آن نویسه هایی است، که آنها در زبان شغنانی بالقوه موجود هستند و لی باید به نیروی بالفعل تبدیل شوند، یا از حالت آوایی محض آنها را بیرون نموده و به بازتاب شکلی و فزیکتی آنها را بکشانیم، که در حقیقت الفبای زبان شغنانی است.

از آن جایی که زبان خود یک قرار داد اجتماعی است، از این سبب هر گونه ساختار و طرح آن، به شمول علایم زبانی و رسم الخط (الفبا)، نیز بیرون از دایره چنین قرار داد، بوده نمیتواند، لذا باید معقول ترین شیوه را باید جستجو کرد تا بنیاد آوا شناسی ما، بسوی بینش زیان شناسی در زبان شناسی نرود، و از سوی دیگر، زبان مادری را نباید بر بنیاد قوانین و مقررات زبان های بیگانه و برون مرزی مورد بررسی قرار داد، و همه قوانین آن زبان ها را بر زبان مادری ترجیح دهیم و از اصول بنیادین آن، صرف کنیم و تاریخ باستانی زبان مادری را نادیده بگیریم.

بحث امروز شغنانی ها، بحث فونولوژی، مورفولوژی، نحو شناسی، شیوه نگارش، املا و انشاء، زبان شناسی مقایسی، و یا طرح دستور زبان شغنانی نیست، زیرا دستور زبان شغنانی مانند سایر زبان ها به نگارش و پژوهش دستور گرامری نیاز دارد نه به طرح دستور گرامری آنگونه که نظام نگارشی به طرحی نیاز دارد، و هم نیاز به زبان شناسی تطبیقی نیست، بلکه تهیه و تدارک آن همه عناصری است که در ساختار یک عمارت، و آنهم عمارت زبانی، بکار برده میشوند، و آیین عناصر باید به پالش و صیقل گرفته شوند تا دیوار این عمارت زبانی، در اثر حوادث اندک متضرر نگردد، و از گزند کج اندیشی ها و کج فهمی ها نیز، در امان باشد. زیرا ما همواره میتوانیم یک عمارت را باز سازی کنیم، رنگ آمیزی نماییم، اما به دشواری خواهیم توانست خشت جا بجا شده داخل عمارت را که پایه مستحکم آن است، هر زمانی خواسته باشیم، تعویض نماییم. امروز بحث ما روی نوشته های و گونه های نوشتاری جنس دستوری نیست، بلکه الفبای زبان شغنانی متشکل از چند نویسه خواهد بود، برای تدوین الفبای زبان شغنان به چه تعداد نویسه ها نیاز خواهیم داشت، چه تعداد آنها را از زبان فارسی- دری، زبان

پشتو، زبان های دیگر خواهیم گرفت، و چه تعداد آنها در زبان شغنانی موجود هستند و به آفرینش ظاهری نویسه ها نیاز خواهیم داشت.

برخی از دوستان سعی نموده اند، نشان دهند که ما به ادبیات و زبان شناسی تطبیقی باید سرو کاری داشته باشیم، اکنون ما به زبان شناسی تطبیقی در راستای تدوین نظام نوشتاری زبان و ادبیات شغنانی نیازی نداریم، زیرا مأموریت این عرصه زبان شناسی جدا از آن چیز است که ما می خواهیم داشته باشیم. ما برای تطبیق موادی نداریم که آن را با چیز دیگری تطبیق نماییم. وظیفه همه اکنون به میان آوردن الفبای رسمی زبان شغنانی است که باید بر مبنای پالیسی و سیاست و فرهنگ زبان شناسی، به ویژه آوا شناسی فزیک و یا زبان شناسی فزیک است تا بدانیم که کدامین نویسه های ما همخوان هستند و کدامین نیمه همخوان های ما با سایر زبان ها در هماهنگی کلی و یا هماهنگی نیمه کلی، قرار دارند تا بتوانیم آنها را به عاریت بگیریم، که بنام (بارو وردز) یاد می شوند، و یا به نام واژه ها و نویسه های مقروضه و به عاریت گرفته شده نیز یاد می شوند، در ساختار الفبای زبان شغنانی بکار ببریم.

بسا مسایل در نگرش دوست ما، ثابتی وجود دارند که قابل بحث هستند و تحلیل دقیق و تجزیه جدی زبا شناسانه را دارند که ما در شرایط کنونی میل آن را نداریم زیرا، این بحث های بعدی هستند که بعد از داشتن رسم الخط زبان، به آنها خواهیم پرداخت. خدمت دوستان عزیز باید به عرض رساند که در این اواخر، با نظریات محترم اسرار که دو بار در سایت سیمای شغنان، بدست نشر سپرده شده بودند، مورد مطالعه دقت قرار دادم که در آن بسا مسایل ارزنده وجود داشتند که زمینه های جدال بعدی را برای دوستان کمتر خواهد ساخت، به اعتبار اینکه موصوف یک مهندس هستند و برای هر مهندسین نسبت به هر فرد دیگر، زیبایی و زشتی یک ساختار، عمارت و لو عمارت زبانی هم باشد، بهتر و شایسته تر هویدا و معلوم است.

در این اواخر، بر اساس احساس و بینش فرهنگ دوستانه شخصیت خوب دیگری از دیار شغنان، محترم نورعلی "دوست"، در همکاری علمی و فرهنگی با "بنیاد ایران پژوهی سهروردی"، که در شهر مونتریال، ایالت کیوبک فعالیت دارد، پژوهش گسترده ای را در مورد زبان، ادبیات، و شیوه های علمی تدوین و ترتیب نظام و رسم الخط زبان شغنانی، به شمول قوانین عمومی زبان شناسی، آوا شناسی، و سایر مسایل ترتیب و تدوین نموده اند که به امید قوی به زود ترین فرصت در اختیار همه دوستان و علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

قابل یاد آوری است که در این پژوهش مطالب و مسایل نهایت ارزنده و علمی مطرح

شده اند که همه بر بنیاد تحقیق و پژوهش اکادمیک صورت گرفته است. من در این جا نمیخواهم، از همه نکات ارزنده و قابل تعریف و توصیف جزوه ایشان چیزی بگویم، زیرا این فقط صلاحیت و اختیار آنها خواهد بود، تا در آینده ها در اختیار علاقه مندان بگذارند.

دوستانی که روی این مسئله کار نموده اند، پژوهش شان را این چنین نگاشته اند:

### نویسه‌های پیشنهادی

" بااساس معیارهای زبان‌شناسی و قواعد دستور زبان در شروع وادامه کار پیرامون نویسه‌های<sup>1</sup> موجود و پیشنهادی ؛ آواها برای زبان شغنی را در چهار بخش خلاصه می‌سازیم : نویسه‌های خطی / نویسه‌های برون‌خطی، نویسه‌های ساده / نویسه‌های ترکیبی، واکه نویسه‌ها / همخوان‌نویسه‌ها و نیمه‌همخوانها. در تداخل کار، به دیگر مسایل پیرامونی و مورد بحث نیز بطور همه جانبه پرداخته می‌شود .

جفت واژگانی جداکننده : در زبان شغنی نویسه های واژگان زبانهای دیگری که بطور ی معیارهای زبانشناسی در ایجاد و یا تغییر الفبای یک زبان به الفبای زبان دیگر و همچنان در نوشتن صورت آوایی یک زبان با الفبای زبانی دیگر، که نمونه‌های تاریخی آن کم نیست مهمترین نکته‌های پیش رو را به شرح زیر بانیست مد نظر داشت :

الف. امانتداری و یکدستی در درج آواها، تطبیق همگن و فراگیر الفبای پیشنهادی با آواهای زبانی مورد نظر، کار آموزش و نوشتاری زبان را به آموزندگان و آموزگاران ساده و آسان می‌سازد.

ب. چطوریکه روشن است گویش های گوناگونی در یک واحد زبانی وجود دارند؛ تعیین گویش به عنوان گویش معیار به ویژه در زبان‌هایی که در بستر جغرافیایی گسترده‌ای پراکنده‌اند موضوع در خور اهمیت است. در این نوشته، گویش معیاری ما گویش مردم شغنان هر دو بدخشان (افغانستان و تاجیکستان) است.

ج. در این نوشته، آوانویسه ( ساده‌تر نویسه) عبارت از صورت نوشتاری یک آوائیکه تنها دارای یک آوا باشد. و تنوین را که در واژه های عربی مبین همزمان دو آوای [ a ] و [ n ] یا به عبارتی نون ساکنی که در آخر کلمات عربی تلفظ می‌شود اما نوشته نمی‌شود مانند دفعته و غیره را منحیث نویسه به شمار نیآورده‌ایم.

د : جفت اوایی جدا کننده: برای تشخیص آواهای مختلف زبان از تلفظهای گوناگون این آواها؛ معیار تشخیص آواها به شیوه است که اگر جانشینی یک آوا با آوایی دیگر در درون متن واژگانی<sup>2</sup> یکسانی و هماهنگی دو واژه گوناگون را تبارز دهد، این آواها دو آوا به شمار می آیند. برای نمونه می توانیم از آوهای ژ و ژ در واژه های ژیر (سنگ) و ژیر (پُربهره) نام ببریم که از جانشین کردن هر کدام از آنها واژه دیگری ساخته می شود. و بدینگونه این آواها «جفت آوایی جداکننده» نامیده می شوند.

کسان درین زبان (شغنی) تلفظ میشوند موجود اند. بطور نمونه نویسه های ت و ط در واژه های حیات و حیاط که در زبان عربی تلفظ متفاوتی دارند ولی شغنی زبانها اینگونه نویسه ها را یکسان تلفظ می کنند. این چنین نویسه ها بنام جفت نویسه های جدا کننده یاد می شوند.

و : نویسه آوایی جداکننده می تواند با نشانه ای کمکی (نک. پایین تر) نیز تمایز یابد. برای نمونه، واژه های بون (ریش) و بون (آرد) با همین نشان کمکی هم در صورت آوایی و هم در صورت نوشتاری خود از یکدیگر تفکیک می شوند.

ز. متن واژگانی یکی از عامل های موثر در رابطه نویسه و آوای درج شده است. در واقع، جایگاه نویسه در متن واژگانی می تواند معرف آوایی باشد که با نویسه یاد شده درج شده است و یا تغییراتی که این آوا در متن به خود می گیرد. برای نمونه، قرار گرفتن ا (الف) پیش از نویسه های و و ی در آغاز واژه ای (این و اون) نشان از آن دارد که این نویسه، به تنهایی، به هیچ آوایی منسوب نیست. همین ا (الف) در میانه واژه که به تنهایی به کار برده شود واکه [â] را درج می کند. مثال دیگر آن که اگر بلافاصله واکه ای (مصوتی) پس از این دو نویسه و و ی بیاید، نویسه و آوای [v] (مثلا در واژه وایمه (نوعی بیماری عصبی)) و نویسه ی آوای [j] (مثلا در واژه یارج (آرد)) را درج می کند. کوتاهی و بلندی یک واکه می تواند تحت تاثیر آوایی که به دنبال می آیند هم باشد، مثلا واکه کوتاه [a] در در واژه اچث [a5ath] (هیچ) کوتاهتر بیان می شود تا بیان همین واکه در واژه اچگه [a5ga] (دیگر) چرا که در واژه دوم بعد از این واکه دو آوای همخوان آمده است و در اولی تنها یک آوای همخوان، که باعث ادای کوتاهتر این واژه می شود.

شناختن رابطه نویسه و آوا در متن واژگانی این امتیاز را هم دارد که از بالا رفتن بی- دلیل شمار نویسه ها و یا افزودن نشانه های اضافی تا حد ممکن پیرهیزیم. اگر به جدول الفبایی کتاب «الفبای زبان شغنی»، آکادمی علوم افغانستان، منتشر شده سال ۱۳۸۳ ش،



(ص. ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹)، نگاهی بیاندازیم می‌بینیم که، برای نمونه، چهار گونه نویسه (و، و~ و وو) آمده است و چهار گونه نویسه ی (ی، ی و ی) آمده است، در صورتی که بخشی از این نویسه‌ها با توضیحی درباره متن واژگانی قابل حذف می‌باشند. نویسه‌های خطی / نویسه‌های بیرون خطی از نگاه ترسیمی، نویسه‌های زبان شغنی به دو گروه شامل می‌شوند: نویسه‌های خطی که بر روی خط نوشته می‌شوند؛ و نویسه‌های بیرون خطی که بیرون از خط و با نویسه‌های خطی درمی‌آیند.

الف. نویسه‌های خطی

نویسه‌های خطی که در زبان شغنی به کار می‌روند به شرح زیرند:

آ ب پ ت ث ط چ خ ح خ د ذ ر ز ژ ر س ش بن ص ض ط ظ ع غ ف ق ک  
گ ل م ن و ژ ه ی ء

از این نویسه‌ها، نویسه‌های خ ح ر بن در واژه‌های زبان پشتو، نویسه‌های ث ح ص ض ط ظ ع ق در واژه‌های عربی یا واژه‌های دیگر زبان‌هایی که با این الفبا نوشته شده‌اند می‌آیند و نویسه‌های ژ و ط تنها در واژگان شغنی نوشته می‌شوند. ۲۶ نویسه دیگر در نوشته‌های واژه‌های این سه زبان و زبان فارسی مشترکند.

اکنون در این جا لازم نمیدانیم تا روی مسایل تئوریک این بخش که چگونه توضیح شده است و بر مبنای کدامین شیوه مورد بحث قرار گرفته و چه استدلالی برای اقامه دعوا پیشکش شده است، سخن برانم، بلکه می‌خواهم اظهار نمایم که ما شاید در زبان شغنانی با کار برد (سه نقطه بر فرق " و ")، که بر مبنای تلفظ ویژه دوستان ایرانی ما بیشتر معمول است، ترجیح می‌دهم تا (سه نقطه بر فرق " ف "،) گذاشته شود و احساس راحت در نوشتار است و از جانبی هم در نوشتن مرکب کمک بیشتر و بهتر میکند.

مثلاً بجای آنکه: و راد (برادر) با گذاشتن سه نقطه بالای " و او"، شود، صد مرتبه بهتر است تا، واژه، فراد (برادر) را به گذاشتن سه نقطه بالای " ف"، بهتر و خوانا تر است. به این معنی که نویسه‌های خ ح ر بن در واژه‌های زبان پشتو، نویسه‌های ث ح ص ض ط ظ ع ق در واژه‌های عربی یا واژه‌های دیگر زبان‌هایی که با این الفبا نوشته شده‌اند می‌آیند و نویسه‌های ژ، ط، ف، با سه نقطه در بالا تنها در واژگان شغنی نوشته می‌شوند، و نویسه دیگر در نوشته‌های واژه‌های این سه زبان و زبان فارسی مشترکند.

بهر حال می‌خواهم موضوع را به درازا بکشانم و در فرجام خدمت دوستان باید بعرض برسانم که همه شما با رسم الخط تدوین شده و طرح شده دوستان، آشنایی حاصل نمودید و با ابراز نظریات تان همه را آشنا ساختید، و من البته با نظر داشت مرور همه شیوه‌ها، به این نتیجه رسیدم که طرح و پیشنهاد هیچ یک از دوستان هرگز مطلق نبوده بلکه تغییر پذیر است، و هم حرف و سخن هیچ دوستی غلط و یا نادرست نیست زیرا که زبان

و عناصر مؤلفه آن همه قراردادی و نسبی هستند. از این سبب من به مثابه یک خواننده خوب تا حدی بلد و آشنا با امور زبان و زبان شناسی، مرور بر همه نوشته و طرح ها، رسم الخط ( الفبای) زیرین را پیشنهاد می نمایم، تا مورد کار برد قرار گیرد ، زیرا اکثر دوستان و اهل نظر در مورد زبان شغنائی نیز در دایره همین اشکال، می چرخند و ابراز نظر نموده و اظهار توافق و تفاهم نسبی نموده اند.

آ ا ب پ ت ث ث برای " ثیر" با سه نقطه بر فرق " ث" و با پندکی در پایین ، ج چ خ  
خ ح د ذ ( ڈارگ) ذ ر ز ژ ړ س ش بن ص ض ط ظ ع غ ف ( فراد) ق ک گ ل  
م ن و ه ی ء

خدا یا تو آن کن که انجام کار تو خوشنود باشی و ما رستگار